

«ستون پنجم» جاده صاف کن لشکر نیابتی پاکستان!

سلیمان کبیر نوری

درین جا می خوانید:

- فریاد یک افسر کوماندو از یک سنگر آتشین
- طی سه سال نیرو های مسلح کشور در ولسوالی دولت آباد در محاصره قرار داشتند. اما جمهوری سه نفره اصلا به فریاد و ضجه های افسران، سربازان و زخمی ها گوش نداد.
- توطیه ی محو افسران کوماندوی تحصیلکرده در دولت آباد - ویدیو ها
- پاسخ من به روان پاک آن عده از افسرانی که جانبازانه برای دفاع از مام وطن در برابر پروژه طالبان انگلیسی با عشق به مام میهن رزمیند و جان باختند.
- وقتی یاسین ضیا، این نوکر انگلیس دژ مستحکم ولسوالی قیصار را در هم شکست
- راه اندازی برنامه های ترور فزیکتی مارشال دوستم، محمد عطا نور و محمد محقق
- روند شوم تسلیم افغانستان به پاکستان!
- عقیم سازی انتقامجویانه ی مردم افغانستان پس از یک قرن
- اگر ما نجیبیم و طالبان را منکوب نکنیم، ما دگر هیچنوع استقلال و اقتدار و افتخاری نخواهیم داشت؛ جز مزدوری ذلیلانه به جنرالان پاکستان
- داغ ننگ بر پیشانی ناتو و حکومت نفاق ملی حک شد!
- ریسمان گردن "زعیم ملی" شئونیست ها به دستِ آی. ایس. آی!!!
- بالگردها؛ وقتیکه بال می شکنند و وقتیکه بال میدهند!
- (در سوریه بال میدهند و در افغانستان بال می شکنند)

- و ده ها سند و مدرک از رویکرد های پنهانی سازمان های اطلاعاتی انگریز، سیا و موساد با نوکری استخبارات پاکستانی- سعودی را درین نبشتار با ارایه ی لینک های آن میخوانید.

- نتیجه گیری: آهای هموطن

///

فریاد یک افسر کوماندو از یک سنگر آتشین

فریاد یکی از افسران کوماندوی اردوی ملی را تعدادی از عزیزان، از طریق واتس آپ، برایم فرستادند که سخت تکان دهنده و جانکاه بود.

این افسر کوماندو در حقیقت درد و حرمان و رها شده گی توطئه آمیز و خاینانه ی هزار ها همسنگر خود در سراسر ولسوالی های افغانستان را در کام درندگان غلام پاکستان...با تمام انرژی فریاد میزند؛ فشرده پیاده شده این فریاد را که فاش کننده «ستون پنجم» و دسایس آن از مغز سر قوماندانی قوای مسلح است؛ بخوانید و اودیوی مرتبط را بشنوید:

"سلام و عرض ادب دارم به تمام بزرگان!

این که مه عسکر شما هستم، مه خدمتگار و خادم شما هستم، عرض می کنم!

قضیه طوری است که مدت یک و نیم ماه، در ماورای کوچکه جنگ چریکی ی گروهی دوازده نفری و پانزده نفری جریان داشت؛ که قوماندانای امنیه هر روز یک شفر در مورد درگیری (به مرکز) می فرستاد.

محاصره شدیم؛ بعضی به طالبیا پیوست شده روان است؛ بری ما دو تا تانک باشه، بری ما چارتا تانک باشه، برای ما قوا باشه. کمک دوتا و چارتا تانک و قوا خو نرسید. بلاخره شش ولسوالی و یا پنج ولسوالی ماورای کوچکه سقوط کردند. بعد از سقوط ازی؛ پرسونل شکسته و ریخته ی آن، به رستاق پناه آوردند. بعد از پناه آوردن پرسونل شکست خورده؛ وقتی که ده اینجه رسیدند، اینا ویروس تبلیغات دشمنه، ده رستاق پخش کردن که پس از ویروس تبلیغات پخش شدن، پرسونل دیگری که ده اینجه خیزشی بود، پولیس بود، مردمه، گلشه تحت تاثیر تبلیغات سرد خود قرار دادند. بعد از قرار دادن ازی، بعد ازی که جنگ شروع شد و ادامه

داشت؛ یک شب و یک روز جنگ شد؛ شفر های مکرر دادیم، گفتند قوای هوایی میبایه. قوای هوایی آمدن درینجا. ما کوردینات های دقیق دشمنه، در حالی که در هر لحظه ما راپور داشتیم، برایشان دادیم. کوردینات دقیق دشمنانه دادیم، مگر طیارا آمد. یک فشنگ انداخت یا تیر شد رفت. مسلک مه همین کوماندو است. ما با قوای هوایی بسیار سرو کار داشتیم. شانزده سال خود را با خارجی ها و قوای هوایی تیر کردیم. لذا به من معلوم میشود که این کار از بالایی ها گپ دادن است، راه جوری است. با این کار خود معلوم است که میخواهند یا تخار سقوط کند یا بدخشان سقوط کند. آمران قوای هوایی اگر دو طیاره هلیکوپتر، دو دانه اپاچی یا مقصد الیکوپتر باشد، فقط دو میل پیکا دران نصب باشه روان کند و مسلکی و تخنیکی اجرات کند، آیا دشمن ایستادگی کرده میتواند؟

شما بزرگوارا از تمام مسایل فعلی ایکه جریان داره خبر دارین. چرا قوای هوایی میبایه دورک میزنه؟، دقیق اجرات نمیکنه (دشمن را مورد هدف قرار نمیده؟ نگارنده). اگر اجرات میکنه اجراتش کجاست؟ تانک فرار میکند. ما برایش کوردینات میتیم، اما فرار میکنه.

بخیر و سلامت باشین، پیام بعدی خود را هم روان میکنم."

(لینک اودیوی فریاد افسر کوماندو درین جا نسبت اشکال تخنیکی جابجا نشد. عزیزانی که علقمند صحبت این افسر جانباز باشد میتوانند از طریق ایمیل من که در اخیر این نبشتار درج میشود آن را مطالبه نموده و حاصل نمایند.)

شما پیام افسر کوماندوی کشور را که افشاگری از ترند ها، نیرنگ ها و جنایات حاکمیت جمهوری سه نفری بود ملاحظه فرمودید. از شمال و شمال شرق و شمال غرب همین داد و فریاد بلند است که دولت، حکومت، وزارت دفاع، و در نهایت حاکمیت پوشالی هیچ گونه واری و همکاری ای با نیرو های محاصره شده، و یا نیرو های تحت فشار و نیازمند به کمک در مبارزه با نیرو های تروریستی لشکر برونمرزی پاکستانی یا بلک واتر پاکستانی به نام طالبان نمی کنند.

طی سه سال نیرو های مسلح کشور در ولسوالی دولت آباد در محاصره قرار داشتند. اما جمهوری سه نفره اصلا به فریاد و ضجه های افسران، سربازان و زخمی ها گوش نداد.

اندکی آنسو تر... ولسوالی دولت آباد ولایت فاریاب، طی سه سال تمام در محاصره دشمن قرار داشت. اما فریاد های نیرو های امنیتی در آن ولسولی را کسی نمی شنوید؛ تا این که همه سربازان پس از مقاومت جانبازانه در برابر لشکر برونمرزی پاکستان، و با استفاده از آخرین

مرمی های در دست داشته ی خویش، به ابدیت پیوستند که روان شان شاد باد آنها قربانی توطیه های حاکمیت کرزی احمد زی شده اند. به دنبال آن توطیه قتل بیست و سه کوماندوی تحصیل کرده در سطح ماستری اتفاق افتاد که باز هم در جال کارنامه های جنایتبارانه ی استخباراتی امریکایی- انگریزی کشانیده شده و بیخبر از توطیه آمران داخلی و خارجی شان، جان های شیرین خود را از دست دادند و به جاویدانگی پیوستند. روان شان شاد و یاد شان گرامی باد!



آیا شما فریاد های نماینده مردم فاریاب در پارلمان کشور را شنیده اید که میگوید: طی سه سال تمام ولسوالی دولت آباد ولایت فاریاب در محاصره ی طالبان قرار داشت؛ اما مرکز به صد ها صدای این رزمندگان گوش نداد، تا این که این ولسوالی سقوط کرد و توأم با یک توطیه بسیار مهیب و خاینانه؛ 23 تن از افسران تحصیل کرده ی کشور در جال تروریستان طالب قرار داده شد و همه یک جا به قتل رسیدند.

اصلاً، در هیچ کجایی از کشور به فریاد نیرو های محاصره شده به و سیله طالبان گوش داده نشده است.

توطیه ی محو افسران کوماندوی تحصیلکرده در دولت آباد - ویدیو ها

قیصار به سان بسیاری از شهرستان ها یا ولسوالی های سقوط داده شده برای طالبان، ماه ها از خود دفاع کرد. خبر محاصره ی قوماندانی امنیه ی قیصار، هفته ها از جانب مردم فاریاب فریاد میشد. اما سر قوماندان اعلی خود خوانده، خود را در کوچه حسن چپ زده چشم ها و گوش ها را بسته بود. از همه عجیب تر اینکه 23 افسر تحصیل کرده در امریکا را همچو گوسپندانی برای ذبح، عمدا در ولسوالی دولت آباد ولایت فاریاب در بین طالبان دیسانت کردند.

به قول جناب اشرف غنی، این بیست و سه تن گوینده یک زبان بودند. پس از دیسانت این بیست و سه تن از کوماندو ها، به درخواست کمک ایشان نیز پاسخی داده نشد. برادران وحشی کرزی - غنی به نوکری دبل عبدالله - امرالله و بی دانش، این بیست و سه تن را به سان صد ها سرباز و افسر دگر بیرحمانه تیر باران کرده و به قتل رسانیدند که پسر آقای جنرال ظاهر عظیمی، سهراب عظیمی، جوان رشید و شجاع کشور از جمله و قوماندان آنها بود و صد ها آرزوی دفاع از وطن را دل می پرورانید. او و همسنگران خیلی ارزشمندش قربانی توطیه ننگین و خایانه ی ارگ نشینان و طبق بعضی گزارشها قربانی توطئه انتقامجویانه باند حامد کرزی شدند.

از محاصره ی جزو تاهای نیروهای قوای مسلح که ماه ها ادامه داشته و حتا سربازان و افسران به خاطر زنده ماندن تا کنون هم علف میخورند، شنیده اید. فریاد این افسران و سربازان و خانواده هایشان گوش فلک را کر ساخت، اما گوش اشرف غنی و دار و دسته کوچکش را نه.

این در حالیست که ناجناب اشرف غنی برای دستگیری فرمانده علیپور، چه لشکر کشی هایی کرد. علیپور در خط دفاع از نظام سیاسی کشور برای داد خواهی و تامین عدالت، از حملات طالبان و کوچی های متجاوز به سرزمین هزاره ها به مبارزه برخاسته بود، مگر غنی زرادخانه ای از وسایل محاروبی و کمیت بزرگی از پرسونل به سر قوماندانی یک انگلیس افغانستان تبار به نام محمد یاسین ضیا (لوی درستیز وزارت دفاع، که پس از انجام وظایف محوله، فعلا واپس به انگلستان برگشته شده است) را برای دستگیری فرمانده علیپور به بهسود اعزام کرده بود. یاسین ضیا شهرک بهسود را به آتش کشیده و ویران کرد. اینکه فرمانده علیپور از حمایت مردمی برخوردار بود، به موصوف آسیبی نرسید.

اما به کمک نیروهای امنیتی ایکه ماه هادر محاصره دشمن قرار دارند، از گسیل اینگونه سفربری به سان بهسود اصلا خبری نیست. می بینیم که زیر کاسه، نیم کاسه ای است.

وقتی یاسین ضیا این نوکر انگلیس، دژ مستحکم ولسوالی قیصار را در هم شکست

همین آقای وطنفروش، یاسین ضیا که درین سن و سال رتبه ی ستر جنرالی را انگلیس به موصوف داده بود، چرا دژ مستحکم قیصار ولایت فاریاب را در هم شکست؟

به امر بادران خارجی، فرمانده قیصاری را با خدعه و نیرنگ، دسیسه و توطیه، دستگیر و با ضرب و شتم ولت و کوب به کابل انتقال داد؟



هرگاه، امروز، قیصاری به حیث فرمانده نظامی در قیصار حضور میداشت، قیصار به دست طالبان سقوط میکرد؟ ابدان نه. اما این همه پروژه های انگریزی اند که با سیاست نیو لیبرالیستی و نیو کلونیالیزم اعمال میشوند. کسی که قیصاری را با نیرنگ دستگیر و از هلیکوپتر آویزان کرد، جز این مهره ی ام آی سکس نبود!

می بینیم که گلا دیاتور های طالب نام (اسم رمز پروژه انگلیسی - امریکایی، به مزدوری اجیران عربی و پاکستانی) در کشور من و تو محشر بر پا کرده اند. اما نهاد های حقوق بشر اروپا و در کل غرب!، سازمان ملل به رهبری مامور فرمانبردار الیگارشسی اقتصادی آقای گوترش که مجددن به این مقام برگزیده شد، فقط از آمار و اعداد کشتار گزارش داده رذیلانه و دور از اخلاق انسانی، بی تفاوت به نظاره نشسته اند. وجدان و اخلاق انسانی تبهاران غرب جدن زیر سوال است!



راز های پشت پرده محو فزیکى سهراب پسر جنرال ظاهر عظیمی را درین ویدیو بیشتر دریابید:

https://www.youtube.com/watch?v=AY5ahFZoJyY&ab_channel=NewsPlus

S

پاسخ من به روان پاک آن عده از افسرانی که جانبازانه برای دفاع از مام وطن در برابر پروژة طالبان انگلیسی با عشق به مام میهن رزمیند و جان باختند

پاسخ این جانب به این افسران شجاع و جانباز وطن و همسنگران مشابه اش در سراسر افغانستان در نیشتری زیر نام " بالگردها؛ وقتیکه بال می شکنند و وقتیکه بال میدهند!" ارایه میگردد.

افسران دلیر و شجاع کوماندو!

شما، در شجاعت و وطنپرستی افتخار تمامی ی مردم کشور هستید!

درود بر شما!

سپاس از شما!

نسل در نسل این فریاد شجاعانه و وطنپرستانه ی شما را نی تنها که فراموش نمی کنند، بل رشادت و شهامت متجلی از آن را از نام یک افسر نامدار، با تمامی احساس و سجایای انسانی، درج تاریخ کشور میکنند.

ثابت و غیر قابل انکار است که اشرف غنی احمدزی - این فاشیست مکار خود عامل این همه جنایات خونبار در کشور، در خدمت دشمنان مردم افغانستان قبل از همه پاکستان و طالبانش است.

برنامه ی ترور فزیکي مارشال دوستم، محمد عطا نور و محمد محقق

مسموم ساختن مارشال دوستم، این دژ استوار علیه بنیادگرایی، افراطیت و تروریزم دولتی پاکستانی، به راکت بستن خانه ی آقای عطای نور با هاوان (که به پا خیزی خویش را بر علیه طالبان اعلان داشته بود) و توطیه ترور نافرجام محمد محقق عضو پارلمان کشور و یکی از مخالفین سرسخت لشکر پاکستانی به نام طالبان، درین اوضاع و احوال چیز های الله بختی و تصادفی بوده نمیتواند.

رویکرد ها و تصامیم هر سه این افراد سرشناس در شمال کشور که در مخالفت با طالبان قرار گرفته اند، همه و همه برنامه های شورای امنیت معلوم الحال در جمهوری سه نفره اشرف غنی می باشند.

جنگ غنی با طالبان «جنگ زرگری» است؛ اگر درست تحقیق و توزین گردد؛ طالب تر از غنی فاشیست و مارموک حامد کرزی و ابلیسک زلمی خلیل زاد وجود ندارد. یقین وجود دارد که تاریخ افغانستان حتی محتویات DNA این موجودات عجیب الخلقه را آشکار سازی خواهد کرد.

هم میهنان گرانقدر!

این کمینه، این برنامه های سنجیده شده ی استخباراتی پیچ در پیچ و رویداد های خونبار و فجایع هولناک امروزی را که به وسیله شبکه های اطلاعاتی غربی یا همانا "دیپت ستیت" ایمپیریالیزم جهانخوار و خونخوار جهانی در کشور من وتو به وقوع می پیوندد، حدود دوازده تا سیزده سال پیش، طی ده ها مقاله، تحلیل و پژوهش خدمت شما پیشکش نموده بودم. ا

آن پیشبینی ها و تحلیل های این کمینه، شوربختانه، امروز به صورت عملی و دقیق در معرض اجرا قرار گرفته اند. توطیه های دشمن به رهبری انگلیس - امریکا همه روزه مردم مان را به خاک و خون می کشاند. تا خود به اهداف اشغال و غارت چه به صورت مستقیم که طی بیست سال تمام حضور داشتند و تمام منابع زیر زمینی مان را با مدرن ترین ابزار معاصر در هر ثانیه و دقیقه و ساعت و شب و روز به تاراج بردند (بیست سال تمام)، و اکنون

این روند با بلک و اثر پاکستانی یا پیمانکاران قراردادی با رهبری کمیته از ژاندارم نظامی انگلیس، امریکا، ادامه می یابد.

عقیم سازی انتقامجویانه ی مردم افغانستان توسط انگلیس پس از یک

قرن. ادامه عنوان در لینکی که در پایان صفحه جا بجا شده است ملاحظه فرمایید. 1

///

روند شوم تسلیم افغانستان به پاکستان!

سلیمان کبیر نوری

20/07/2015

(با اسناد مسلم و اثباتیه ها و اتمام حجت های مکمل و فوق مکمل)

اوضاع پس از فتنه ی انتخاباتی و تقرر اشرف غنی توسط جان گیری به ریاست جمهوری؛ چرا اینگونه به طرف تباهی و تسلیم افغانستان به پاکستان روان است؟؟؟

یک تکانه

ای رفیقان! عقل باید در بدن

ورنه جان در کالبد دارد حمار

درو بر شما!

آرزومندم صحتمند و با عافیت باشید؛ خواستم «از درون بلا» فریادی برآورم.

تلخ و خشن و زشت است.

ولی لازم است، حیاتی و مماتی است.

مهمتر از همه حکم عقل و وجدان یعنی تمامت انسانیت است!

.....
اوضاع در کشور؛ وخیمترین است.

همه تلاش ها و توطیه های جنگ کنونی که "آی ایس آی" پاکستان را در آستانه تصرف شمال و غرب و مرکز کشور نیز قرار داده است و برهنه ترین همسویی امریکایی ها و انگلیس ها و دولت محصول گیری امریکا؛ و عربستان را به یکسو متمرکز کرده است جمع از سر گیری راکت پراگنی ها و دخالت های هوایی و هیلی کوپتری در جنگ از آن سوی سرحد و همه فتنه های صلح! «حاجی دین محمدی!» اشرف غنی... تسلیم تمام و کمال افغانستان به پاکستان و تصرف تمام و کمال این کشور توسط این، اسرائیل دوم را تقریبین شدنی و اجتناب ناپذیر گردانیده است.

تنها نیروی مقاومت که تلاش های شیطانی و مافوق حیوانی برای ارباب و پراگنده ساختن و از هم پاشیدن آن هم به شدت پلانیزه شده و عملا و آشکارا دنبال میگردد، خصومت ذاتی و روحی و روانی و ناشی از تجربه و آگاهی نسبی مردم افغانستان از ملیشه ها و عساکر بیرون مرزی و «ستون پنجم» پاکستان و خود پاکستان و تا حدی؛ از اجانب امپریالیستی میباشد که در اغلب مشمولان قوت های مسلح و امنیتی مان وجود دارد و تا اندازه ای هم عجالتا نیرو های برخی مجاهدین سابق و منتفذان نظامی باقیمانده از مبارزات گذشته را شامل میشود.

واقعیت تاریخی این است که در لحظات جاری طیف های فراوان مردمان اصیل افغانستان در حالت قیام مسلح عمومی علیه پاکستان و عمال و جواسیس دولتی و طالبی آن قرار دارند و بیش از پیش به این قیام می پیوندند!

وقت موضعگیری و اتخاذ تاکتیک سازنده نیرو های چپ به دفاع از بقای وطن و مردم و فرهنگ و تاریخ و نوامیس است.

وقت آن است که دسایس دست اول هرچه قاطعتر و واضحتر افشا و همه آنانی که در خط ضد پاکستان قرار دارند، طرف حمایت و پشتیبانی بی چون و چرا قرار گیرند .

وقت آن است که عزاییم* پاکستان و منجمله همانند آن تصریحات آقای "زید" افسر آی ایس آی که نیات و مقاصد پاکستان را بی باکانه برهنه ساخته و چندین بار در برنامه های شفیع عیار مورد تبصره و تحلیل قرار گرفته سیل آسا مورد افشاگری قرار گیرد.

حالا موضوع مهم مثلا نقد بر چگونگی کارکرد های این رهبر و آن رهبر، یا این حزب و آن حزب نیست یا آجندا های مسخره شورا های مرکزی و... و... و... احزاب به اصطلاح مترقی، ویا نقد از رمان ها و خاطرات، ویا یادداشت های روزانه و یادواره ها، یا تسلیمت بازی ها و نوحه سرایی ها. موضوع مهم افشای عزاییم و مهره های پاکستان در دستگاه

حاکمه و در قوت های مسلح و امنیت و... و... و انگیزه بخشیدن و ارشاد افغانها در نبرد بلافصل است.

موضوع مهم تکثیر و ساده سازی و پخش و تعمیم برنامه های ستلایتی و مقالات و تحقیق ها و آثاری است که سیر و پیاز دار و دسته ارگ نشین کنونی را از ابتدا تا کنون منظم و مکمل رسوا میکنند؛ کارستانی که حتی فیصدی کوچک آنرا چپی های مفشن ما نه توانسته اند و نه میتوانند انجام دهند و مانند پوچاق خربوزه نقد و تیار نزدیک پوز و دهن انقلابیون اصیل و رسالتمند!!!!!! در یوتیوب و سایر قفسه های انترنیتی و غیر انترنیتی قرار دارند.

موضوع مهم فریاد دکتر وحید وحیدالله کارشناس مجرب و ارشد سازمان م.م. در امور حل منازعات منطقوی و جهانی (صرف نظر از اما و اگرها) از میان آسمانخراش محیط بر عالم این نهاد جهانی؛ در برهنه سازی طالب و پاکستان و «برادران» شان است.

موضوع مهم سانحه های امثال جلریز و وردوج و یمگان و المار و فاریاب و هلمند و غزنی و ننگرهار و در مجموع شمال و متباقی مردم نشین های افغانستان است. موضوع مهم اوضاع پیرامون شاهراه ها از جمله شاهراه سالنگ است!

موضوع مهم یکی بودن طالب و داعش و القاعده در ماهیت بد فرهنگی و بیفرهنگی و در وابستگی ها و در استراتیژی هاست!!!

موضوع مهم در معرض آزمون نهایی بودن چپ ها و چپول هاست که منحنیت دستیاران نا آگاه پاکستان و امپریالیزم؛ موقف و موضع دارند!

در صورت ادامه لج و بلاهت؛ تاریخ؛ اینها را خائین ترین های ملی ثابت خواهد کرد نه حتی دزدان و قطاع الطریفان "بالفطره" و اشرار دیروزه را که بالاخره به هر دلیل عجالتا اندیشه و انگیزه ای برای مبارزه بر ضد پاکستان و عمال رنگارنگ این شریر ترین دشمن ما افغانها دارند و عملا و علنا در سنگر اند!

مدخل یگانه و آزمون شده سیاست و مبارزه و حتی تنازع بقاست که:

«خود را بشناس و دشمن خود را بشناس؛ آنگاه در هر جنگ پیروزی!»

موضوع مهم این است که مدعیان وطن و آینده و ترقی و مردم دوستی را از این مالیخولیا بدر آریم که «وقتی من نمیخورم و تصاحب نمیکنم بگذار همه چیز بسوزد و بپاشد!!»

ای رفیقان؛ عقل باید در بدن ورنه جان در کالبد دارد حمار

در اینجا توجه شما را به برخی از اسناد و مدارک متقن ویدیویی در مورد «میراث خوار استعمار» کهن انگلیس - کشور تحمیلی و هنوز بی تمامیت ارضی پاکستان و وحشی ترین نماد

و مظهر «عقدہ حقارت» و عامل شرارت آن سازمان جهنمی "آی ایس آی" و «ستون پنجم»
آن در درون قدرت و کشور؛ معطوف میدارم:2

////

داغ ننگ بر پیشانی ناتو و حکومت نفاق ملی حک شد!

(تبصره و تکانه)

سلیمان کبیر نوری

2015/10/12

نباید در فهم پیام این اففضاح جهنمی اشتباه کرد!

ارچند اوضاع نابسامان و بحرانی ی جاری کشور کارمایه ی چندین ساله ی حاکمیت کرزی - احمد زی و فهیم در تبانی با استخبارات خارجی بوده است، اما در حاکمیت دو مزدور و دو مامور (عین و غین)، آن همه برنامه های استخباراتی ای که روی صفحه ی کاغذ ریخته شده بود، اکنون دارد عملی می شود. برنامه ها طی 15 سال به پختگی و قوام نزدیک شده است.

به همین سلسله؛ رویداد بی نهایت فجیع کندوز از چندین ماه پیش پلان شده بود تا در جریان تدویر مجمع عمومی سازمان ملل متحد اتفاق بیافتد ؛ تا همگان به سرعت و سهولت از آن آگاهی حاصل کنند که مزدوران جنگی پاکستان در افغانستان پس از مرگ ملا عمر هم منسجم و فعال و مقتدر استند.

البته علی الظاهر رجاله های حاکم غرب و ملل متحد آن را محکوم کنند ولی در عمق به ملل جهان افاده داده شود که طالب نیرویی است که باید باب مذاکره و جور آمد را با آن ها گشود و در سیستم سیاسی و نظامی افغانستان؛ آن ها را (چیزی برتر از پروژه انگریز- سعودی و پاکستان) در نظر گرفت.

پیش از حادثه ی کهندژ یا کندوز دیدیم که مهره های پنهان مزدور، مامور و فرستاده ی خاص اشرف غنی همچو گلاب منگل (مهره ی انگلیسی) با وقاحت و نهایت بی شرمی عیان شد؛ وظایف ضد وطنی و ضد مردمی خویش را شجیعانه! انجام داد و منطقه ی سوق الجیشی «دند غوری» را برای نوکران پاکستان تسلیم نمود؛ تا مراکز فرماندهی پاکستان از همان منطقه توسعه و گسترش یافته و مدیریت شود.

قدرت تبلیغات و جنگ روانی را ببینید که بعد از سقوط کندز کمتر کسی از خاینان اصلی در استقامت این رویداد یعنی گلاب خان منگل و توظیف کننده اش نام می برد و در باصطلاح جلسه استجوابی ولسی جرگه برایش چنان درامه بازی میکنند که او سلامت و بی ملامت خوانده شده و برعکس افکار عامه با نفاق قومی ملتهب گردیده از مسئله منحرف و منحرف شود!

قبل بر آن؛ اظهارات ناقص و اعترافات اجباری مسولین امنیتی در پارلمان شکی نگذاشته بود که پشت توطیه و همه ی این رخداد های مربوط؛ سر قوماندان اعلی قوای مسلح، مشاور امنیتی اش و سایر ارکان «ستون پنجم» بوده است.

از آنجمله رحمت الله نبیل رئیس امنیت ملی گفت: قرار بود در 27 نقطه قندوز عملیات تصفیوی اجرا گردد تا خطرات سقوط شهر کندوز و فاجعه ای که پیش آمد؛ رفع شده باشد. بدین منظور قوت های ویژه داخلی و خارجی توظیف و به میدان هوایی کندوز جابجا شدند ولی ظرف 45 روز سر قوماندانی و شورای امنیت ملی دستور عملیات را نداد!

بلی هموطن. در حاکمیت کشور اشغالی؛ قاعدتا همه مهره های مهم مزدور اند و احتمال وقوع هر نوع عمل منجر به هر حادثه ای شوم برای ملت و مردم از سوی آنها متصور است.

رهبان دولتی این کشور فلک زده هم برای اغفال ذهنیت عامه در داخل و خارج؛ لایسنس و یا اجازه نامه ی دشنام دادن و موضعگیری کردن تند را از جانب سازمان جهنمی " آی ایس آی " به دست آورده اند و هرآنچه سخت و تند بخواهند به آدرس پاکستان و نوکران طالبش اظهار میدارند؛ مگر عمل شان چنین است و چنین است و چنین!

پیش از دیگر عرایض توجه تان را به تماشای این ویدیوی مستند از تجاوز به ناموس مردم و همچنان قتل عام کندوزیان معطوف می داریم:

<https://www.youtube.com/watch?v=ghHzuuKFGL8>

وقتی الان ویدیو را کنترل کردم، اینکه در ویدیو مشاهده کرده بودم که طالبان داخل لیلیه دختران دانشگاه کندز شده بودند و به دختران تجاوز نموده بودند، متأسفانه امروز، هنگام گشودن این ویدیو به این جمله مواجه شدم که:

Video unavailable

This video is no longer available because the YouTube account associated with this video has been terminated.

این ویدیو از مدت های زیاد به این سو غیر قابل دسترس است...

ببینید که بنگاه های رسانه های بین المللی مثل یوتیوب، فیسبوک، توئیتر، انستاگرام... چونانیکه قویترین رقیب تلفونهای سامسونگ و اپل هاپفون را با بیشرمانه زمینگیر کردند، این بنگاه ها امروز در خدمت استخبارا ام آی سکس، سیا و موساد اند. این در حالی بود که دران زمان چرخه گیر غرب(سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین الملل نیز اعتراف کردند که:

گروه طالبان در کندز مرتکب جنایات هولناک شده است.

در یک کشور اشغالی احتمال وقوع هر نوع حادثه ای غیر منتظره متصور است.

هموطنان اندکی به هوش باشید و از این رویداد ها و از تجربه های عینی سی و چند ساله درس بگیرید و الا در آینده ی نزدیک سرنوشت تان را باز کرنیل ها و جرنیل های پاکستانی به دست می گیرند. خاینین دست اول و دوم با گاو صندوق های پر از دالر و کداز... از وطن فرار میکنند. پاکستان حاکمیت خود را می سازد.

اگر ما نجنبیم و طالبان را منکوب نکنیم،

ما دگر هیچنوع استقلال و اقتدار و افتخاری نخواهیم داشت؛ جز مزدوری ذلیلانه به جنرالان پاکستان.

غربی‌های اشغالگر با بازی شوم موش و گربه، طی 15 سال مردم مان را آن قدر خوار و ذلیل ساختند که اکنون می‌پندارند یارای به پا خواستن و مقاومت کردن را ندارند. شگرد‌های جنگ روانی و تبلیغاتی در همین راستا تیتتر‌های همه رادیو‌های غربی و رسانه‌های مزدور درونی آنان را انباشته است.

اگر مردم نجنبند، به پا نه ایستند؛ باید بپذیرند و آماده باشند تا ریسمان‌های پنجابی‌ها را تا سال‌های طولانی نامعلوم در گردن‌های خویش حمل کنند و کوله بار درد و رنج نفرت‌انگیز غلامی را همیشه بر دوش کشند!

چرا که اشغالگران دسیسه‌گر، متقلب، عوام‌فریب و جهان‌فریب گویا آخر به همین نتیجه رسیده‌اند که پنجابی‌های پاکستان و مزدوران جاهل و جلاد و وحشی و بربر آنها در افغانستان و فراتر از آن؛ به نیابت از غارتگران غربی استیلا پیدا نمایند و حکومت نفاق ملی را به مثابه «ستون پنجم» پاکستان با ترکیب جواسیس حتی لنگ و لاش خود به همین هدف ایجاد نموده‌اند. ببینید آیا این حکومت منفور و مزدور جز جاده صاف کنی در همین استقامت کدام عمل و کارنامه دیگر دارد؟!

از جمله به روند کند و ناهماهنگ باز پس‌گیری و عملیات تصفیوی 10 - 15 روزه غور دقت‌نمابید و ببینید که حکومت دست‌نشانده آقای جان‌گیری امریکایی با ده‌ها هزار آواره، زخمی، مصدوم و دربر قندوز آفت زده و حتی با جنازه‌های پرت افتاده در خیابان‌ها و قصاب‌خانه‌های طالبان شیرین و ابلیس؛ با چه اراده و ادا و خرام رفتار میکند.

مگر آن وکیل هموطن در تالار شورا از دیوانه‌گی فریاد زد که "مردم سران این حکومت منحط و خاین را با سنگ و چوب باید بکشند!؟"

مطالب مرتبط:

خان آباد؛ صدای الله اکبر از قصاب خانه طالبان

گروهی میگویند که شاید قصابان خان آباد، طالب نباشند! یعنی طالبان به خون آشامی و سربریدن آشنایی ندارند!

دانشجویی که از چنگ طالبان در کندز نجات یافته، میگوید که این گروه در بندر خان آباد شهر کندز کشتارگاه انسانی دارند. به گفته او، طالبان در این کشتارگاه انسانها را به جرم همکاری با دولت و هویت زبانیشان سر میبرند.

عبدالقدوس که دانشجوی دانشکده شریعت است، ناوقت روز گذشته (یکشنبه) هنگامی که از کابل به سوی ولایت تخار در حرکت بوده، برای تحقیق از سوی طالبان دستگیر و پس از لتوکوب، به کشتارگاه برده می شود.

به گفته عبدالقدوس، کشتارگاه طالبان در پشت هتل عروسی پامیر در بندر خان آباد واقع شده و طالبان قربانیان را پس از عبور دادن از داخل هتل و دو حویلی دیگر، به آنجا می رسانند.

به روایت عبدالقدوس، در این کشتارگاه طالبان، آدمکشان مسلح به تبر و ساطور مصروف سربریدن مردم اند. او میگوید که در این کشتارگاه، مردان جوان را به تناب می بندند و پس از پایان تحقیقات، سرشان را از تنشان جدا می کنند.

عبدالقدوس همچنان میگوید کسانی که سر مردم را می برند، به زبان دیگری صحبت می کنند و باشندگان افغانستان نیستند. به گفته او، آنها با گفتن «الله اکبر» قربانیانشان گردن می زنند.

این دانشجو که انگشت دستش از سوی طالبان بریده شده، میگوید که حوضی لبریز از خون و مردهگان بسیاری را دیده است که در گوشه‌یی از کشتارگاه انبار شده بودند. او می‌افزاید که هنگام رسیدن او به داخل کشتارگاه، طالبان سر جوانی را از تنش جدا می کرده اند.

طالبان پس از این که انگشت دست عبدالقدوس و دست هم سفرش را می برند، او را با پادرمیانی مردی از باشندگان کندز که همکار طالبان است، رها می کنند.

اما محمدحسن حقیار، روزنامه‌نگار و معین وزارت معادن در زمان حاکمیت طالبان می‌گوید که این کار از سوی طالبان انجام نشده و شاید کار شبکه‌های استخباراتی خارجی برای ایجاد تفرقه و درگیری میان اقوام افغانستان باشد.

آقای حقیار می‌گوید که در میان گروه طالبان افرادی از اقوام گوناگون افغانستان حضور دارند و اکثریت کسانی که در شمال علیه دولت می‌جنگند، متعلق به اقوام ازبیک، تاجیک و... اند. او می‌افزاید که هم‌اکنون قاری دین‌محمد حنیف، یکی از اعضای دفتر سیاسی طالبان در قطر، تاجیکی از بدخشان است و همچنان در دوران حاکمیت طالبان، افرادی از اقوام مختلف افغانستان در رده‌های بالای این گروه حضور داشتند.

به باور او، این کار از سوی هر گروهی که صورت بگیرد، «یک جنایت و عملی ضداسلامی» است.

این در حالی است که سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی از سه روز تسلط گروه طالبان بر شهر کندز گفته است که این گروه در این سه روز دست به کشتار جمعی، تجاوز جنسی گروهی و تلاشی خانه به خانه در این شهر زده اند.

ریاست جمهوری افغانستان نیز پس از نشر این گزارش گفت که طالبان جنایت‌هایی را در شهر کندز مرتکب شده و دولت افغانستان در این باره تحقیق می‌کند.

تار برگ سلام و طندار

سلیمان کبیر نوری

بالگردها؛ وقتیکه بال می‌شکنند و وقتیکه بال میدهند!

در سوریه:

داعش در هیچ جایی در امان نیست.

بالگرد های می 24 در فضا مستی می‌کنند و رعد و رعب آفریده و بر داعشی‌ها هی‌اتش می‌گشایند.

سربازان سوریه و مردان کردی شجاعانه آنها را تعقیب و مناطق را از لوٹ این مزدوران ارتجاع و امپریالیزم پاک میکنند.

جنگ خانه به خانه، جنگ کوچه به کوچه - قریه به قریه و شهر به شهر ادامه دارد.
داعش به وحشت افتیده است، بلی... بلی... داعش واقعن در پانیک رفته است. راه را گم کرده
است، همچو موش ها غار می پالند. در **ویدیوی مستند** زیر مشاهده فرمایید!
این است مبارزه صادقانه بر ضد تروریزم و دهشتگری.

اما در کشور ما:

در کشور من وتو در برابر حدود 15 هزار طالب، 50 کشور با 150000 نیرو به بهانه
جنگ با تروریزم زیر نام مبارزه بر ضد تروریستان طالب و القاعده هجوم آوردند. تا کنون ده
ها هزار غیر نظامیان قربانی شدند. اما بالگرد های خارجی ها در افغانستان نیز گویا مستی
کنان به انتقال طالبان پرداختند! به قول کرزی و نماینده های ولایات شمال و شمالشرق در
پارلمان کشور، به کمک بالگرد های خارجی جنگجویان طالب از پاکستان و ولایات جنوبی به
شمال و شمالشرق کشور انتقال داده شدند. تروریزم در شمال کشور نفوذ داده شد و حضور
فزیکتی یافت. مصایب و بیچارگی و ذلت ما به حدی رسیده است که به اساس ویدیو های
مستند از یافته های تلویزیون شمشاد، با وجود پایگاه های خارجی و امضای قرار داد امنیتی،
نظامیان پاکستانی طالبان را در جنگ رهبری و با آن ها یک جا برای تسخیر مناطقی از
کشور ما آغاز نموده است. سران غرب از تروریزم دولتی پاکستان چشم پوشی نمی کنند؟
آنایکه با 150 هزار نیروی نظامی بر ضد تروریزم در افغانستان تشریف فرما شده بودند،
گویا اکنون باب مذاکره را با آن ها باز کرده اند و الان تحمیل کرده می گویند با طالبان
تروریست مذاکره کنید!

به عنوان سمبول نتایج از مستی آن بالگرد ها، تا این بالگرد ها را- ببینید و قضاوت فرمایید!
برای تماشای ویدیو، لطف نموده بالای لینک زیر کلیک نمایید!

<https://www.youtube.com/watch?v=2CDdFFKTCYQ>

///

31/10/2016

سلیمان کبیر نوری

ریسمان گردن "زعیم ملی" شئونیست ها به دستِ آی. ایس. آی!!!

بسیار بسیار کوتاه و مختصر؛

پیامی دارم برای حامیان آگاه، نا آگاه، ناخودآگاه و بیماران قومی، زبانی و قبیله‌ای که پیوسته در دفاع از اعلیحضرت حامد کرزی این مهره‌ی سیاه و متقن مربوط دستگاہ‌های عدیده اطلاعاتی‌ی منطقه‌ی و بین‌المللی، به ویژه آی ایس آی پاکستان قرار داشته‌اند.

من ده‌ها مقاله و پژوهش در مورد اجیر بودن، خاین ملی بودن، و با ماهیت شخصیت پست و پلشت، و به قول آقای کیول امریکایی (نویسنده‌ی کتاب جنگ اشباح) اجیر بودن فامیلی کرزی به دست آی ایس آی پاکستان؛؛ نوشته‌ام.

اتفاق هم افتیده است که هموطنی، گاهی با ناراحتی از من پرسیده بود؛ چرا در مورد کرزی و طالب و پاکستان و چین و چنان بیشتر می‌نویسی؟ اما من میدانم که این هموطنان بیماران اند قومی، زبانی و منطقه‌ی که تا کنون به بیماری‌ی خود پی نبرده‌اند. و خود را حق به جانب هم می‌دانند. و اگر خواسته باشند من حاضرمدارک تاریخی خدمت‌شان ارایه‌دهم.

و من به پرسش‌چنین دوستان و هموطنان هیچ‌گاهی نپرداخته‌ام که بگویم: چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست - آدم شناس نه‌ای جان من خطا این جاست.

اما نه... این‌جا موضوع آدم‌شناسی مطرح نبوده است بل، فقط بیماری‌های شناخته و ناشناخته‌ی ناخودآگاه قومگرایی مطرح بوده است و بس.

من در مورد آقای کرزی پرونده‌ای در اختیار دارم. عنوان این پرونده "سلول‌های محکمه‌ی هاگ در انتظار حامد کرزی" نام دارد.

من با اغتنام از فرصت این پرونده‌ی آقای کرزی، دوسیه‌ی این خاین ملی را به دسترس هموطنان و نهاد‌های ذیربط قرار خواهم داد.

اما آنچه من را وادار ساخت تا این‌خامه را خدمت هموطنان پیشکش نمایم؛ اظهارات تازه‌ی یکی از عمال شبکه‌ی اطلاعاتی‌ی آی ایس آی برای برنامه‌های فامیلی کرزی، جناب مشاهد حسین صایب!، سناتور ارشد پاکستان و عضو ارشد حزب «مسلم لیگ» حزب حاکم پاکستان، رئیس کمیته دفاعی مجلس سنا و نماینده‌ی ویژه نخست‌وزیر پاکستان در امور کشمیر است. کشمیری که بنگاه و لانه شبکه‌های شریر و شیطنانی و تروریستی بنیادگرایی زیر نظر سازمان جاسوسی پاکستان است.

اظهارات جناب مشاهد حسین، با صراحت تمام، یک بار دگر مهر سجد و تایید بر اجیر بودن آقای کرزی، و یکی از مزدوران کرزی به نام مارشال قسیم فهیم می‌گذارد.

آقای مشاهد حسین اعلام داشت که: **پاکستان به نفع «کرزی» در انتخابات ۲۰۰۹ افغانستان دست به تقلب زد.**

مشاهد حسین، رئیس کمیته دفاعی سنای پاکستان اعلام کرد که حامد کرزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ افغانستان، اسلام‌آباد را بر واشنگتن ترجیح داد و در عوض پاکستان کاری کرد او برنده شود.

به نقل از نیوز انترنشنل، این سناتور می گوید: "ما به نفع حامد کرزی در انتخابات سال ۲۰۰۹ افغانستان دست به تقلب زدیم و به آمریکا نیز توصیه کردیم که کرزی از همه باهوش تر است و مردم را میتواند به سادگی فریب دهد بدون اینکه آنها متوجه شوند" معلوم است که این آقایان و شبکه شان؛ حامد جان را از آوان برهنه صورتی و نوبوگی زیر کنترل و نظر داشته اند.

وی همچنان گفته است، که حامد کرزی می دانست که آمریکایی ها با او مشکل دارند و به همین دلیل هم به سمت پاکستان دست دراز کرد که نتیجه خوبی هم گرفت.

"ما تمام ۳ میلیون رای مهاجرین افغان در پاکستان را به نفع کرزی رقم زدیم".

یکبار دیگر: مشاهد حسین، عضو ارشد «مسلم لیگ» حزب حاکم پاکستان، رئیس کمیته دفاعی مجلس سنا و نماینده ویژه نخست وزیر پاکستان در امور کشمیر است.

این سناتور ارشد خاطر نشان کرد که سیاست او باما در افغانستان ناکارآمد بوده است.

"آمریکا نمی داند که در افغانستان چه می خواهد. یک بار خواستار از بین بردن طالبان است و بار دیگر می گوید که پاکستان باید طالبان را به میز مذاکره بکشاند و در زمان دیگری علیه طالبان اعلام جنگ می کند، گاهی هم در باره خروج از افغانستان صحبت می کند".

حامد کرزی این فرو مایه ترین عنصر جامعه ی مان، طی دو دوره بیشتر حکومت امریکا و پاکستان داده اش، طالبان و تروریستان مخلوق و مولود آی. ایس. آی را برادر خواند. از زندانها رها کرد. به کرات با همدلی و محبت، انتحاری های دستگیر شده ی آن ها را با عطیه ها و تحایف به آغوش کشیده و دوباره به پاکستان یعنی به نزد پدر مشترک فکری و سیاسی و جاسوسی خودش و آنها فرستاد.

به قول جناب مامون ژورنالیست و مبصر توانا، حامد کرزی، فرد نبود و نیست. بازوی قوی حامد کرزی در آن زمان مارشال فهیم بود که در دقایق نود، در و پنجره «جبهه ملی» را شکست و به اردوگاه کرزی و پاکستان پناه برد. حالا لایه های گمشده کم کم باز می شوند. کرزی، یک تیم بود، نه یک فرد. فاش گویی مشاهد حسین در همین نقطه اهمیت تاریخی پیدا می کند.

آی، اس، آی و طالب، هرگز بر حریم مارشال فهیم حتی یک بار هم حمله نکرد؛ در عوض، دیدیم که از جنرال داوود شروع تا استاد ربانی را دانه چینی کرد."

با اینکه امریکا و پاکستان و اجنبیان دیگر به زور چکمه های عساکر و با نیرنگ های نواستعماری شان، حامد کرزی گمنام را که صرف به عنوان کاندید نمایندگی طالبان در ملل متحد؛ سر و صدایی داشت؛ مانند شاه شجاع به تاج و تخت افغانستان برداشتند و نظیر آنچه در فوق آمد؛ پیوسته با دسیسه و نیرنگ و عوامفریبی حکومت او را تمدید میکردند؛ باز هم زعیم ملی خواندن چنین خاین و دست نشانده و غلام و غلام جز شوونیزم و مرض قومپرستی چه معنایی میتواند داشته باشد.

حیف هموطنان غیور پشتون که در آینده نیز فاش شدن هزاران سند مزدوری و خیانت این عروسک و خانواده مزدورش؛ لکه های ننگ بیشتری بر جبین آنان بر می نشانند. البته که مسئول هموطنان ملیونی پشتون نه بلکه مشتی بیمار روانی و سیاسی و چه بسا مزدور و غلام دیگر است که این لته ننگ و نفرین را بر جبین خلق پشتون کوبیده می روند.

باید خلق برادر و با شرف و با غیرت پشتون این مجانین مریض یا اوباش نوکر شده را از خود برانند، تجرید و محکوم و مردود نمایند تا شرف و عزت شان بیش از این لکه دار و چرک و چتل نگردد.

برای فهم درست تر مطلب؛ از برادران غیور پشتون می طلبم که فرض کنند که همین حامد کرزی اگر پشتون نمی بود و مثلاً از خلق تاجیک یا اوزبیک یا هزاره می بود؛ آیا با اینهمه رسوایی و حتی 1000 فیصد کمتر از آن، باز هم او را کس؛ حتی یک افغان حلالی حساب میکرد و قوم و قبیله اش را چگونه میخواند و چگونه می نامید؟؟؟

خوب است که هر چه زود تر و بدون فوت وقت دست به کار شویم و خاینین را عاق و طرد، و خاینین پرستان را مفلوج و منکوب نمائیم!

ریسمان گردن "زعیم ملی" شنونیست ها به دستِ آی. ایس. آی 3.

///

مرتبط تحلیل و بحث حاضر من نوشته ها عیدیه، طی پانزده سال اخیر داشته ام که آن ها را فقط با عنوان ولینک آن برای عزیزان به معرفی میگیرم و بس.

شاد و پر انرژی باشد!4

یادداشت:

من پیوسته خواسته ام تا رسالت خویش را در برابر مردم مظلوم و از چاره بیچاره ی خویش در مقیاسی که توان و انرژی دارم به کار ببرم. ده ها و ده ها مقاله و تحلیل برای خردورزی و روشنگری نوشته ام و خواهم نوشت.

با حرمت احترام

چهارم جون 2021

آهای هموطن

آهای هموطن!

مگذار همچو پار:

آید به شهر ما

چون مور- چون ملخ

با یالهای چرک

بد بوی - بد نما

آید به شهر ما

سنگین دلان غرب

با طالبان جنگ

با دشمنان صلح

بر شانه ها تفنگ

با تیر و با خدنگ.

مگذار هموطن !
طاعون شوم قرن
در قرن بیست و یک
آید به شهر ما
با گامهای شوم
با شعله های خشم
با تیر و با خدنگ
وحشت بنا کنند
با دار و سنگسار
با کیبل و چماق
با قطع دست و پا و گردن و با مسخ و مثله کردنت !

آیا ز یاد رفت :
آن روزگار شوم
کاین بربران عصر
سیلاب خون را
در هر کران روان
در کوی و در سرا
ماتم بپا نمود؟

فرزند بس حرام «ریگن» و «برژینسکی» و «رافیل» و «مارگریت»
کرنیل «امام» و «بابر» فاشیست و گل (حمید)...
دیوان بس پلید؛
شیخان فاجر قبایل امیه و یزید؛

آشوب آفرید؟

درد و دریغ آنکه تباه گشت و خوار و خاک شد
اما شعور مردم خوابیده و کمباور و خوش باور مان پاک شد
رخشنده رهیاب و جهانتاب شد
اینک دیگر تمامی وارثان میهن زیبای ما
هر لحظه، هر کجا

هوشیار میشوند

بیدار میشوند

آری جهان نگر

بحران «نظم» غارت و سرمایه و تلبیس و انحصار
- این غول شبتترین شب تاریخ روزگار -

بی مهار

بیداد میکند

یعنی زوالِ قدرتِ فرعونیان قرن
یعنی شکست کاخ سلاطین نفتخوار
یعنی زوالِ نظمِ خرد باختگان پار
وان نوکران حلقه بگوش ستمگران
آغاز گشته است!

مشت نهان به پردهء دین ؛ نیز باز گشته است!

مشت نهان به پردهء دین ؛ نیز باز گشته است!

بنگر تو هموطن

عصر نوین ما

خواند بگوشها
شهنای آرزو
میلودی بلند نوین گشتن زمان...

پس استوار باش
بیدار باش و واقف این تیرگی شب
چون تا هنوز هم
پایان کار نیست!
ممکن هنوز هم:
آید به مرز بی در و سقف حریم ما
غولان پاگلین
چون عصر بردگی
غیر از غلامی و کنیزی نخواهند و ندانند رسم و راه
پی افکنند، بساط وحشت و غرقاب تیره گی
آتش زنند به خرمن و باغ و نعیم ما
غارت کنند تمام ثروت سرشار این دیار
با نظم وحشت و با دار و سنگسار...

یاد است و یاد دار
این کرگسان دون
این طالبان خون
در سالهای پار
کامد به شهر و دیهه و دشت و دیار ما
ویرانه شد همه!

بیچاره شد همه
آواره شد همه
در چادرو دلاق و به زنجیر و به زولانه شد همه

داریم بیاد ما
آن ناله های زار
آن ضجه های درد
آن دود های آه...
ابر سیاه و سرکش و تند باد خونفشان
بر سر زمین ما
از هر وجب گذشت
از کوه و دشت و دره و شهر و دیار ما
با آتش جنون عرب های «جاهلی»
با دره ، کیبل و با دار ، انفجار...
محشر به پا نمود
هر آنچه بود هستی ما خاک و دود شد
آن سان که بود ولع وحشی ی پنجابی و « ضیاء»
کابل – نه کشور افغان تمام سوخت !
تاریخ و ثروت فرهنگ و عز و شأن و نام سوخت

ای جان جان من!
بین تیرگی جهل درین برهه ی زمان
بنگر که ارتجاع سیاه ؛ خصم نابکار
زنجیر ها بکف

در فکر بردگیست

برخیز هموطن

با دانش و دها

با ثروت تجارب انبوه دهه ها

با نام و عشق و همت شیران این وطن

بر ضد شر و فتنه و سازش که در دور ها به پاست

بر ضد سرنوشت شوم که بهرت رقم زنند

دیوان روزگار

دد های کور و هار

آواز کن بلند

فریاد « نه !» به هر کرانه دنیا به پا بکن

چون موجهای سرکش دریای ملتهب

چون آدرخش پر غضب آسمان در بهار

با عزم آهنین

با خشم و غیظ و کین

آتش فگن به لانه ء این نوکران غیر

این یاوران دون ستم پیشگان نفختحوار،

اشرار جنگ و تازش و تاراج و اسلحه...

بشکن طلسم شوم

بنیاد بردگی و اسارت خراب کن !

از بیخ کاخ ظلم و زور و برده گی و جنایت خراب کن !

تفتین و توطئه

نقش بر آب کن !

دنیا به کام تست ؛

عصر و زمان و خلق جهان

همراه تو و همنبرد تو و پشتبان تست !

بر جنبش عظیم مردم مغربزمین ببین !

بر خیزش و قیام خلق های عرب ؛ تند تر نگر!

بر بارگاه دیو

از شرق تا به غرب

قدرت نمانده است .

هر سازش و نمایش رسوا و مسخره

جز ترس ؛ جز شکست نیست

جز هم فرار با زبونی ز بن بست دست !

آهای هموطن !

دیگر مکن درنگ !

با عقل راهبین

با دانش و هنر

با عزم آهنین

با همدلی و همرهی و همرسی در رزم و در هدف

پیروز میشویم

آینده ز آن ماست

زمان ؛ زمان ماست !

پیروز میشویم.

بہروز میشویم.

1

<http://www.ariaye.com/dari17/siasi3/noori3.html>

2

<https://www.youtube.com/watch?v=udh49YvubuQ>

133- ISI & Pakistan Perspective 2014 Afghanistan Presidential Elections by
Shafie Ayar

.....

<https://www.youtube.com/watch?v=6TzcEldnslk>

104 - Isi, Karzai, and USA by Shafie Ayar

.....

<https://www.youtube.com/watch?v=qe8ktUY9LIs>

Dr. Waheed Waheedullah: **Taliban Mercenaries**: Pakanistani Sponsored
Negotiations!

فقط در سه دقیقه

.....

<https://www.youtube.com/watch?v=-By5UQBhwts>

0041 Waheed Waheedullah by shafie ayar

فقط در بیست و یک دقیقه

.....

<https://www.youtube.com/watch?v=CfRYRu5bKlw>

Dr Waheed Waheedullah on Government & Cabinet Ongoing Crisis in Afghanistan

فقط در 9 دقیقه

.....
*عزاییم/ جمع عزیمه به معنی اراده ثابت و موکد – و همچنان مراد از آن افسون ها و دعاهایی است که بر بیماران بخوانند.

.....
خاطره: متوقعست در نشر و تکثیر این شیون درد آلود یک ملت و یک تاریخ و یک فرهنگ اهانت شده و در حال ترکه و تاراج و نابودی؛ به وسیله کلیه رسانه ها و به سایر امکانات همکاری و سهمگیری نمایید!

<http://www.vatandar.at/SulaimanKabirNoori79.htm>

3

<http://www.ariaye.com/dari13/siasi2/noori.html>

4

رییس جمهور کرزی ملعبه ای در دست سازمان های جاسوسی!؟

<http://www.vatandar.at/SulaimanKabirNoori64.htm>

///

سیاهنامه تازه احمد رشید پاکستانی برای سیاه روزتر کردن افغانها

<http://www.vatandar.at/SulaimanKabirNoori43.htm>

///

جنرال نکلسون؛ قوماندان جنگ با پوقانه ها!!!

<http://www.ariaye.com/dari14/siasi3/noori.html>

///

داغ ننگ بر پیشانی ناتو و حکومت نفاق ملی حک شد!

<http://www.ariaye.com/dari12/siasi2/noori4.html>

///

اعتراف ننگین به حمایت از جنایات مرگبار تاریخی
رئیس جمهور کرزی به مزدوری خویش اعتراف کرد

<http://www.ariaye.com/dari10/siasi/noori.html>

///

دلیل سازی مردم افغانستان با ریش و ریشخند

///

کشور و مردم افغانستان در لبه ی عقبگرد ارتجاعی دهشتناک

<http://www.ariaye.com/dari17/siasi2/noori4.html>

///

داغ ننگ بر پیشانی ناتو و حکومت نفاق ملی حک شد

///

استعمار کهن، نباید چون لسان سانسکریت مُرده شمرده شود

///

هوشداری به همه مردم افغانستان

///

سیاهنامه تازهء احمد رشید برای سیاه روزتر کردن افغانها

///

فجایع سازمان یافته ی تروریستی در کشور، مهر تاییدی است

///

بخش اول، دوم و سوم:

پاکستان ؛ و هوس شیطانی حاکمیت بلا منازع در افغانستان

پاکستان ؛ و هوس شیطانی حاکمیت بلا منازع در افغانستان

///

کاربرد ابزاری غرب از بنیادگرایی